

بسوی یک اول مه متحد و باشکوه

صفحه ۲



اول ماه مه، اتحاد طبقاتی برای رهایی جامعه

یاشار سهندی، صفحه ۳

قتلگاه کارگران، با اسم رمز "محیط کار"

کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۷

هدف از توافق هسته ای، بهبود وضعیت معیشتی مردم نیست - مهران محبی

مهران محبی، صفحه ۶

نه جنگ نه توافق، راه حل بایکوت جمهوری اسلامی است!

حمید تقوائی، صفحه ۵

۴ باز هم درباره‌ی مذاکرات! - حسن صالحی صفحه

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و اعتصاب کارگران ایران خودرو تبریز و فولاد

البرز در ابهر صفحه ۸

اعتراضات به بی آبی و قطعی برق، و افزایش فشار بر معلمان صفحه ۱۱

ادامه سه شنبه های نه به اعدام و اخبار اعتراضی دیگر صفحه ۱۲

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و معدن و کارگران مترو در تهران و کشاورزان و

مردم ورزنه اصفهان صفحه ۱۳

تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری نفت و گاز گچساران و ارکان ثالث پالایشگاه ۱۲ پارس

جنوبی صفحه ۱۳

ویژه برنامه بمناسبت ۱ مه روز جهانی کارگر، کمپین برای آزادی کارگران زندانی در تلویزیون کانال

جدید، صفحه ۱۴

جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار باید اخراج شود، صفحه ۱۴

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۸۰

۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

۲۱ آوریل ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

نامه سرگشاده به برنی

سندرز

حمید تقوائی، لیدر حزب

کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

کارگران در هفته ای که

گذشته

تنظیم: کارگر کمونیست

صفحه ۹

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۰

تجمعات بازنشستگان

مخابرات در چندین شهر

صفحه ۱۲





زندگی آزادی همبستگی خود را با اعتراضات کارگری مستحکم کنند و علیه فقر و فساد، علیه تبعیضات فاحش طبقاتی و برای سرنگونی حکومت اسلامی صفوفشان را فشرده‌تر کنند. این تنها افق پیش روی جامعه برای رهایی از شر حکومت اسلامی و رهایی از همه مصائب حاکم بر جامعه است.

در شرایطی که جمهوری اسلامی فقر غیر قابل توصیفی به اکثریت عظیم مردم تحمیل کرده است، در شرایطی که رژیم در اوج ضعف و بحران قرار داد و شکست‌های زیادی از زنان شجاع و مردم انقلابی و معترض خورده و خاکریزهای متعددی را از دست داده است، اول مه فرصتی است برای عرض اندام متحدانه و قدرتمند فعالین جنبش کارگری و همه جنبش‌های آزادیخواهانه و همه مردم ستم‌دیده علیه این رژیم. در عین حال اول مه فرصتی است برای طبقه کارگر و فعالین و تشکلهای آن که پرچم رهایی کل جامعه را هر چه مصمم‌تر برافرازد و در پیشاپیش جامعه معترض و ملت‌هپ ایران این وضع را تماماً عوض کند و آزادی و برابری و رفاه را مستقر کند. پیش بسوی یک اول مه قدرتمند و تاریخی!

گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۷ فروردین ۱۴۰۴، ۱۶ آوریل ۲۰۲۵



درصدیها بلکه کل نظام سرمایه داری را
بزیر سوال ببرد.

مبارزه شما بخشی از یک جنبش
جهانی علیه وضع موجود در همه
کشورها است. جنبشی پیشرو که در دهه
های اخیر از تقابل نود و نه در صدیها و

یک درصدیها در جنبش اشغال تا انقلابات بهار عرب، از جنبش "نمی‌توانم نفس بکشم" در آمریکا تا اعتراضات "جلیقه زردها" در فرانسه، و از جنبش "من چارلی هستم" تا سر بلند کردن انقلاب شکوهمند زن زندگی آزادی در ایران، تداوم داشته است.

امروز جنبش زن زندگی آزادی یک برآمد عظیم این خیزش است؛ جبهه دیگری که پرچم تمدن و آزادی و انسانیت را علیه دیکتاتوری آیت الله‌های میلیاردی برافراشته است. مردم ایران قریب سه سال است مبارزه بی امانی را با رژیمی که نوع اسلامی دروغگویی، عوامفریبی و خودکامگی ترامپستی است به پیش می‌برند و از این نقطه نظر کمپین "مبارزه با الیگارشی" و "انقلاب زنانه" ایران همسو و همجهت هستند.

امیدوارم کمپین شما گامی موثر باشد در جهت رهایی نه تنها از ترامپ و ترامپسیسم بلکه از سیستمی که چنین رئیس جمهوری را تولید می‌کند و به آن نیاز دارد! خلع مولتی میلیاردرهای یک درصدی از قدرت سیاسی می‌تواند گامی در جهت خلع کل طبقه سرمایه دار و استقرار سوسیالیسم باشد.

در این مبارزه حزب ما، به همراه سازمانها و جنبشهای مترقی دنیا، همگام و در کنار شما است. موفقیت کامل کمپین شما را آرزو مندیم. در همبستگی

حمید تقوایی-لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

بسوی یک اول مه متحد و باشکوه

به اول مه، روز جهانی کارگر، نزدیک می‌شویم. بیش از ۱۳۰ سال است که روز جهانی کارگر الهام بخش و سمبل مبارزه و تلاش برای زندگی بهتر، و آزادی و رهایی بشر بوده است. رهایی از استثمار و بردگی مزدی و اعلام کیفرخواست نه تنها علیه استثمار و ستم اقتصادی بلکه همچنین علیه همه تبعیضات و تبعیضات، علیه سرکوب‌ها و بی‌حقوقی‌ها و علیه همه مصائب جامعه. رهایی جامعه در گرو رهایی از بردگی مزدی، رهایی از استثمار و تبعیض و نابرابری است.

تا بردگی مزدی و استثمار هست، تا نظام سرمایه‌داری حاکم است، تا اقلیتی مفتخور و میلیاردی همه امکانات جامعه را در چنگ خود گرفته‌اند، نه تنها فقر و بیکاری و بی‌خانمانی، بلکه ستم سیاسی و سرکوب و انواع تبعیضات و بی‌حقوقی‌ها نیز هست. این بی‌حقوقی‌ها و تبعیضات ذاتی این نظام و شرط بقای آن است.

نظام اسلامی حاکم بر ایران، بعنوان یکی از عقب‌مانده‌ترین، هارترین و فاسدترین رژیم‌های سرمایه‌داری، مصداق بارز همه این بی‌حقوقی‌ها و تبعیضات است و جهنمی واقعی بر اکثریت عظیم مردم حاکم کرده است. بی‌جهت نیست که همبستگی عمیقی میان بخش‌های مختلف جامعه علیه این نظام شکل گرفته است. کارگر و دانشجو، زن و پرستار، هنرمند و ورزشکار، نویسنده و وکیل، که مورد انواع خشونت‌ها و ستم‌های وحشیانه این نظام‌اند، به اشکال مختلف از یکدیگر حمایت می‌کنند و بر خواست‌های انسانی کل جامعه تاکید می‌کنند. اگر جمهوری اسلامی مصداق بارز همه ستم‌های سرمایه‌داری است، همبستگی بخش‌های مختلف جامعه نیز مصداق بارز امر و عزم مشترک جامعه برای ریشه کن کردن این ستم‌ها و رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و انسانی است.

اول مه فرصتی است که همه بخش‌های تحت ستم جامعه و همه فعالین زن

۱۷ آوریل ۲۰۲۵

نامه سرگشاده به برنی سندرز

حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

برنی سندرز عزیز

کمپین "مبارزه با الیگارشی" شما مبارزه ای تنها علیه یک رئیس جمهور فوق ارتجاعی و خودکامه نیست بلکه گامی است در راستای پایان دادن به سلطه یک درصدیها در آمریکا و در سراسر جهان!

ترامپسیسم نه یک پدیده صرفاً آمریکایی است و نه یک زائده تصادفی در نظام سرمایه داری. این مرحله نهایی یک روند قهقریایی جهانی است که با تاجریسم و ریگانسیسم آغاز شد و با "جنگ علیه تروریسم"، تهاجم به عراق و افغانستان، ظهور اسلام‌گرایی و تروریسم اسلامی در خاورمیانه و در سراسر جهان، سقوط اقتصادی ۲۰۰۸، ظهور راست افراطی در غرب، سلطه اولیگارشی پوتین و شرکا در روسیه، و همانطور که آمار آکسفام اعلام می‌کند و کنفرانس داووس سال به سال هشدار می‌دهد، شکاف عظیم و فزاینده بین فقر و ثروت در سراسر جهان، ادامه یافت.

این روند قهقریایی اکنون به نتیجه منطقی خود رسیده است. امروز، مولتی میلیاردرهای یک درصدی در قدرتمندترین اقتصاد جهان، مستقیماً قدرت سیاسی را به دست می‌گیرند و قدرت اقتصادی خود را به سلطه مطلق سیاسی تبدیل میکنند. این می‌تواند پایان نه تنها لیبرال دموکراسی، بلکه پایان تمدن باشد. می‌تواند ... مگر اینکه البته جهان متمدن بخود سازمان دهد و بمیدان بیاید. شما و الکساندرا اوکاسیو کورتز دقیقاً در همین جهت گام برمی‌دارید. این مبارزه می‌تواند و باید از به چالش کشیدن ترامپسیسم فراتر برود و مشروعیت، اعتبار و مطلوبیت نه تنها سلطه یک



اول ماه مه، اتحاد طبقاتی برای رهایی جامعه یاشار سهندی

توافق و سرنگونی

بر سر "توافق احتمالی" بین ترامپ و جمهوری اسلامی هیاهو بالا گرفته است. اپوزیسیون راست ناامید از بمباران دنبال "عنصر نامطلوب" در میان "اطرفیان" ترامپ میگردد. داستان همیشگی و مسخره در تمجید دیکتاتور و دیکتاتوری: خودش خوبه، اطرافیانش بدند! یواش یواش ظاهرا "غیر قابل پیشی بینی نبودن ترامپ" یک امتیاز ویژه برای ترامپ بوده، الان نقطه ضعف جناب تاجر موفق شده که "هیچکی در معامله با او سالم بیرون نمیداد!". اما گویا اگر شب خوب خوابیده باشد، صبح یک چیز میگوید و تا شب بسته به اینکه روزش را چگونه گذرانده باشد چیزی دیگر!

اپوزیسیون راست که یک عدد تخم مرغ داشت که آن را هم تو سبد ترامپ یافته بود و از جابجایی ناوها و هواپیماهای جنگی به وجد آمده بود به این راضی شده که حداقل یک "حمله محدود صورت بگیرد!". چشم امیدشان نیز به نتانیاهو است که این کار را انجام دهد. برخی از ایشان این روزها یادشان آمده که دولتهای غربی خواستار سقوط جمهوری اسلامی نیستند. چرا؟ چون مثلاً فلان میلیارد تومان از پولهای بلوکه شده ایران که با سودش خدا میداند چه رقمی میشود، در صورت براندازی و برگشت شاهزاده باید از سوی این دول پس داده شود. برای همین ترجیح میدهد حکومت اسلامی سرکار بماند و آن پول را پیش خود نگه دارند! یا از این مشعشع تر اینکه چون هزاران هزار ایرانی به امریکا رونق داده اند و در صورت سقوط جمهوری اسلامی به ایران بر میگردند و از ناسا و سیلیکون ولی گرفته تا فلان شرکت معاملاتی و کلا امریکا دستشان تو حنا می ماند!

و باز دوباره سرزنش ما مردم ایران را استارت زده اند که گویا با "رفتارمان"، مثلاً با خرید قسطی هر چیزی پولهای هنگفت به جیب جمهوری اسلامی میریزیم و اینگونه آنها از این پول برای تحکیم خود سود میبرند! و اینگونه که پیش میروند همین امروز و فردا دوباره ورد زبانشان این میشود: "که از کوتاهی ماست که دیوار استبداد بلند است." در عین حال دوباره یادشان آمده دولتهای خارجی قرار نیست برای ما کاری بکنند! یعنی تا دلتان بخواهد تن به بستی که گرفتار شده اند، اگر بخواهیم خیلی خیلی محترمانه بیان کنیم، خزعبلات می بافند.

تمام شواهد تاکنون نشان میدهد توافقی در پیش است. اما با توافق و بی توافق، هدف سرنگونی است. سالهاست که توده مردم در تجمعات و تظاهرات ها فریاد زده اند: "دشمن ما همین جاست دروغ میگویند امریکاست". بی بی سی در گزارشی از عکس العمل مطبوعات حکومتی در قبال مذاکرات قید کرده است: "گرچه تیر اول روزنامه دولتی ایران هم "رو به جلو" است، اما در مطلبی دیگر با نگاهی نه چندان امیدوارانه به نقل از کارشناسان نوشته که در صورت موفقیت مذاکرات، باز گره مشکلات داخلی باز نمی شود." با توافق، جمهوری اسلامی همان است که بود، و قرار هم ندارد که "گرهی" از زندگی ما مردم بگشاید. بلکه تجربه نشان داده ما مردم همیشه حکم مرغ عزا و عروسی برای تصمیم سازان در هر شکلی را داریم.

دول غربی و امریکا، نه بخاطر عدم پرداخت پولهای بلوکه شده ایران بلکه تماماً متوجه هستند که چه نیروی عظیمی از پتانسیل انقلابی از چپ و کمونیسم در ایران وجود دارد، چه رنسانس با شکوهی شکل گرفته است. بحث بر سر بازگشت قدرت

انسان و هویت انسانی به موضوع سیاست و اداره جامعه است و این رنسانس تجربه چند قرن تلاش برای رهایی انسان را با خود دارد.

"مماشات غرب با جمهوری اسلامی" نه بخاطر منافع اقتصادی بلکه تماماً به خاطر منافع سیاسی است. با سرنگونی این حکومت این نیرو نه تنها میتواند موجب رهایی جامعه ایران بلکه در زمانی که فاشیستها در سراسر جهان دور برداشته اند میتواند آلترناتیو روشن و محکمی پیش روی مردم در سراسر کره زمین بگذارد. و اول ماه مه امسال بار دیگر میتواند این آلترناتیو را برجسته کند.

اول ماه مه و نه به اعدام

اول ماه مه، موضوع اتحاد و رهایی یک طبقه، طبقه کارگر است. نه بدان گونه که بخشی از چپ ایران طبقه کارگر را جدا از "کل بشریت" میداند. طبقه کارگر متحد شدن را نه برای رهایی خودش بلکه برای رهایی جامعه میخواهد که بدون این دومی، اولی امکان پذیر نخواهد بود. اول ماه مه باید نشان دهد اینگونه نیست که طبقه کارگر راه خود را میروند و کل بشریت راه دیگری. آلترناتیو طبقه کارگر راه رهایی "کل بشریت" است. امری که جامعه جهانی سخت تشنه آن است. با وجود به قدرت رسیدن ترامپ و ترامپیستها در برخی از کشورها اما چپ هم ساکت نبوده است و ما شاهد جنب و جوش وسیع چپ در امریکا هستیم. در ایران بخصوص وجود جنبش وسیع چپ اجتماعی و تحزب کمونیسم کارگری که این خود نشانه حضور طبقه کارگر در تحولات سیاسی ایران است، گفتمانهای چپ و رادیکال به شعارهای اعتراضی کف خیابانی و قطعنامه ها و بیانیه های اعتراضی مردمی تبدیل شده است.

جمهوری اسلامی که در حال توافق با یکی از جنس خودش می باشد به شدت و در سطح وسیعی به اعدام دست میزنند، و بسیاری را زیر حکم اعدام قرار داده است. اعدام خاکریز دوم حکومت اسلامی است که باید تسخیر شود. همانگونه که عملاً خاکریز اول حکومت، حجاب سقوط کرد، خاکریز دوم حکومت میتواند عملاً سقوط کند.

یکی از شعارهایی که میتواند در اول ماه امسال نقطه اتحاد بیشتر جامعه باشد "نه به اعدام" است. جنبشی قوی حول آن شکل گرفته است و در اول ماه مه با تاکید بر اینکه اعدام قتل عمد حکومتی است و ابزار سرکوب جامعه است، لغو حکم اعدام باید برجسته تر شود. با سقوط این خاکریز، جمهوری اسلامی بیش از پیش در معرض سقوط کامل قرار خواهد گرفت. اکنون که اپوزیسیون راست کاملاً بی افق شده است و شیر و خورشیدش در جزیره دیگو گارسیا غروب کرده است، بیشتر از گذشته این فرصت تاریخی را مقابل کمونیسم و چپ گشوده شده است که با اتکای به نیروی طبقه کارگر یعنی نیروی ۹۹ درصد جامعه، به سوی قدرت سیاسی گام بردارد. با سقوط خاکریز اعدام چپ قوت بیشتری خواهد گرفت.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



باز هم درباره مذاکرات! - حسن صالحی

من از آن دسته آدم‌هایی هستم که به نتیجه‌ی مذاکرات میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی دل نبسته‌ام. طبیعتاً هم دولت فاشیستی ترامپ و هم فاشیست‌های اسلامی حاکم بر ایران در این مذاکرات صرفاً منافع خودشان را دنبال می‌کنند—منفعی که هیچ ربطی به خواسته‌ها و نیازهای مردم ندارند.

یکی (دولت ترامپ) به دنبال این است که جمهوری اسلامی را از دستیابی به سلاح هسته‌ای دور نگه دارد تا خطری برای منافع ایالات متحده و متحدان غربی‌اش نباشد. دیگری (جمهوری اسلامی) که خوب می‌داند کشتی‌اش به گل نشسته و در داخل ایران و منطقه شکست‌های جدی خورده، به دنبال نجات خود از طریق تعامل با غرب است. هر دو طرف هم با رجزخوانی و مانورهای نظامی تلاش می‌کنند که در جریان مذاکرات امتیازات بیشتری از یکدیگر بگیرند—که البته در این میان، آمریکا با برتری نظامی بسیار بیشتر، دست بالاتری دارد.

جالب است که هم دولت آمریکا و هم جمهوری اسلامی ابایی ندارند که بی‌ربطی این مذاکرات را با منافع مردم را از انتظار پنهان کنند. آمریکا صراحتاً می‌گوید که کاری به رعایت حقوق بشر در ایران ندارد. خود ترامپ هم با عملکردش، در جهان به نماد ضدیت با حقوق بشر و فاشیسم بدل شده (حتی از شورای حقوق بشر سازمان ملل هم خارج شد). در آن‌سو، جمهوری اسلامی هم از زبان خامنه‌ای اعلام کرده که اگر آمریکا و اروپا با ما کنار بیایند، ما سرکوب داخلی را ادامه می‌دهیم—و خیالتان از بابت انقلاب و چپ‌گرایی در ایران راحت باشد!

حالا من نمی‌فهمم چرا باید به این "دیپلماسی" دل خوش کرد و مثل بعضی از "جمهوری‌خواهان" و جریانات راست به آن امید بست؟! همه‌ی این ماجرا برای من زیر سؤال است. طبیعتاً هیچ‌کس جنگ نمی‌خواهد. ما بارها گفته‌ایم که اگر دولت‌های غربی دست از مداخلات و یا حمایت از جمهوری اسلامی بردارند، خود مردم ایران با انقلاب خودشان کار این رژیم را تمام خواهند کرد.

"دیپلماسی" اگر معنایی دارد، باید به این معنا باشد که دولت‌ها با رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی سازش نکنند، به آن مشروعیت ندهند، و اجازه ندهند جنایت‌هایش را پشت میز مذاکره بپوشانند. ما هیچ انتظار دیگری نداشته‌ایم جز اینکه به جنایات این رژیم علیه بشریت اعتراض کنند، حکومت جنایتکار اسلامی را طرد و منزوی کنند، سفارتخانه‌هایش را ببندند و روابط سیاسی و دیپلماتیک با این رژیم ترور، وحشت و آپارتاید جنسیتی را فوراً قطع کنند.

حالا این مذاکرات جاری دقیقاً دارد به چه چیزی خدمت می‌کند؟ جز این است که در صورت تعدیل برنامه‌ی هسته‌ای، به رژیم اسلامی اعتبار بیشتری برای ماندن می‌دهد؟ مگر مشکل ما با جمهوری اسلامی فقط بر سر برنامه‌ی هسته‌ای آن است؟! مردم ایران دیگر به چه زبانی باید بگویند که این رژیم را—چه اتمی و چه غیراتم—نمی‌خواهند؟ مردم ایران چطور باید فریاد بزنند که این رژیم نماینده‌ی آن‌ها نیست و فقط با زور و قلدری به نام آن‌ها در مجامع بین‌المللی سخن می‌گوید؟

من بسیار متأسفم که شماری از مخالفین صادق اعدام و سرکوب در ایران، با نوشتن نامه و بیانیه، تلاش می‌کنند با "تزیین مسائل حقوق بشری" به مذاکراتی که اساساً ربطی به ما ندارد، عملاً ما را از مسیر انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی دور کنند و از مذاکره‌کنندگان تقاضای پیش شرط گذاشتن برای حقوق بشر در ایران می‌کنند. تازه آن هم از دولتی که در حال حاضر عملاً خط قرمزی بر حقوق بشر کشیده و خودش آشکارا

حقوق انسانی پناهجویان، جامعه‌ی دانشجویی، کارگران و حتی مردم خودشان در آمریکا را زیر پا می‌گذارد.

حتی اگر این مذاکرات موفق شود جلوی یک جنگ احتمالی را بگیرد، سؤال این است: ما مردم چه "صلح‌پایداری" با این رژیم داریم؟!

این چه نوع "صلح‌طلبی" و "تش‌زدایی" است که با یک رژیم جنایتکار و سرکوبگر برقرار می‌شود؟ شرایطی ساخته‌اند که با شعار "جنگ نکنید" و "برقراری صلح"، عملاً می‌خواهند ما جمهوری اسلامی را تحمل کنیم! ما این را نمی‌پذیریم. نه جنگ و نه صلح دولت‌ها با جمهوری اسلامی، هیچ‌کدام به نفع ما مردم نیست. بهترین و تنها موضعی که می‌تواند به نفع مردم باشد، این است که دولت‌ها این حکومت منفور را منزوی و بایکوت کنند—نه با آن وارد معامله شوند، نه به آن مشروعیت بدهند.

اما به هر حال اگر جنگ نشود، ما همچنان خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم.

جنگ بشود، باز هم راه‌مان را گم نمی‌کنیم. با سرنگونی این رژیم، خودمان با جنگ و بحران هم مقابله می‌کنیم و جامعه‌مان را نجات می‌دهیم.

مذاکره کنند و به نتیجه برسند، ما جمهوری اسلامی را سرنگون می‌کنیم. مذاکره کنند و به نتیجه نرسند، باز هم ما جمهوری اسلامی را سرنگون می‌کنیم.

مگر نه اینکه بعد از توافق برجام، مردم به خانه‌هایشان نرفتند؟ مگر نه اینکه در دی ۹۶، دوباره به خیابان‌ها آمدند و فریاد زدند: "جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم"؟!

من شخصاً وقتی می‌بینم که خواست سرنگونی جمهوری اسلامی، یا اصل به‌رسمیت نشناختن آن، کمی مخدوش می‌شود، به شدت حساس می‌شوم. ما "اصلاح‌طلبی حکومتی" را در خیابان از میدان به در کردیم. حالا باید هوشیار باشیم و اجازه ندهیم همین جریان از پنجره وارد شود و مبارزات سرنگونی‌طلبانه‌ی ما را منحرف کند.

اول ماه مه، ...

از صفحه ۳

بر زمینه انقلاب زن زندگی آزادی، شعار نه به اعدام از این قابلیت برخوردار است که توده‌ای گردد، و در اول ماه مه باید نشان داد که طبقه کارگر در سرکوب و مرگ آفرینی هیچ نفعی ندارد، و یک جامعه شاد و آزاد و مرفه همه آن چیزی است که می‌خواهد، و این امری است که به رهایی کل جامعه می‌انجامد. اتحاد طبقاتی طبقه کارگر امری در خود نیست، بلکه نیازی است برای رهایی جامعه و اتحاد برای لغو حکم اعدام یکی از قدم‌های مهم در این جهت در بطن تحولات جاری در ایران است. و بدین گونه در عین حال به طبقه کارگر در کل جهان نشان خواهد داد که جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر تنها امید دنیای امروز است و این به نوبه خود قدرت و جسارت را به نیروی چپ و کمونیسم کارگری در جهان باز میگردان

پیش بسوی اول مه، روز جهانی کارگر!



نه جنگ نه توافق، راه حل بایکوت جمهوری اسلامی است!

حمید تقوائی

و بالاخره روشن است که عدم توافق و روی آوری به حمله نظامی و جنگ نیز، حتی اگر در سطح محدود صورت بگیرد، بویژه از آنجا که هدف اصلی مراکز هسته ای خواهد بود، میتواند به کشتار و خانه خرابی مردم و یک فاجعه اجتماعی تبدیل شود. حتی نفس فضا و تشنه‌های جنگی مبارزه مردم برای سرنگونی حکومت را، در عرصه سیاست و رسانه ای جهانی و حتی در نزد برخی از نیروهای سیاسی در خود ایران، تحت الشعاع قرار میدهد و فرعی میکند.

در چنین شرایطی پاسخ مردم و نیروهای مترقی و آزادیخواه به جنگ و مذاکره چه باید باشد؟

مردم ایران دست اندرکار بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی هستند و رابطه بین دولتها با جانیان حاکم بر ایران را با این معیار می سنجند؛ با این معیار که رابطه بین دولتها تا چه اندازه میتواند به جنگ آنها علیه حکومت کمک کند. بر این مبنا پاسخ نه میتواند صلح طلبی باشد و نه تعیین مضمون مذاکرات و نه توهم و امید بستن به کاهش فشار اقتصادی بر زندگی مردم در اثر رفع یا تخفیف تحریمها. پاسخ همان است که نیروهای آزادیخواه و فعالین انقلاب زن زندگی آزادی مدتهاست خطاب به دولتها و ارگانهای بین المللی اعلام کرده اند: بایکوت جهانی جمهوری اسلامی!

هر دولتی که مدعی دفاع از حقوق بشر و مخالفت با جنایات جمهوری اسلامی است باید حکومت جنایتکاران حاکم بر ایران را طرد و منزوی کند. این تنها شیوه ای است که دولتها و نهادهای بین المللی و هر نیروی مدعی دفاع از حقوق بشر میتواند با جنایتهای داخلی و خارجی حکومت مقابله کند.

جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنهاست و نباید بعنوان دولت ایران به رسمیت شناخته شود. حتی اولین گام برای حل واقعی و پایدار مسائلی مثل پروژه هسته ای جمهوری اسلامی و تروریسم منطقه ای و خلع سلاح موشکی آن قطع رابطه با حکومت عامل این جنایات و حمایت فعال از مبارزات مردم ایران است. انتظار و خواست مردم ایران از دولتها و نهادهای بین المللی اینست که همان سیاستی را با رژیم آپارتاید جنسی در ایران در پیش بگیرند که در رابطه با رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی پی گرفتند: بایکوت جهانی جمهوری اسلامی! هر سیاست دیگری در قبال رژیم جنایتکار حاکم بر ایران نهایتاً به نفع آن خواهد بود.

۳۰ فروردین ۱۴۰۴، ۱۹ آوریل ۲۰۲۵

دور دوم مذاکرات جمهوری اسلامی و دولت آمریکا نیز به پایان رسید و ظاهراً طرفین حتی در مورد چارچوب مذاکرات هنوز به توافق نرسیده اند. در این میان بحث و حدس و گمانه زنی در میان ناظرین و رسانه های جهانی، و اظهار نظر و موضع گیری در میان گروه ها و فعالین سیاسی در ایران در مورد آینده مذاکرات بالا گرفته است. آیا مذاکره به نتیجه خواهد رسید؟ آیا جمهوری اسلامی به شرایط دولت ترامپ تن خواهد داد؟ آیا مذاکرات به بن بست میرسد و نهایتاً شاهد حمله نظامی و جنگ خواهیم بود؟ پاسخ ها و نظرات مختلف و ضد و نقیضی در پاسخ به این سئوالات مطرح میشود. حتی در خود کابینه ترامپ نظرات مختلف است. عده ای خواهان محدود کردن غنی سازی هسته ای هستند. برخی دیگر به کمتر از تعطیلی کل پروژه هسته ای رژیم رضایت نمیدهند، و گروه سومی همسو با تانیاهاو راه حل را حمله نظامی میدانند. برخی از گروه ها و فعالین سیاسی ایرانی نیز تلاش میکنند خواستها و پیش شرطهایی به نفع مردم و رعایت حقوق بشر در دستور مذاکرات بگذارند. برخی نیز از زاویه احتراز از جنگ و صلح طلبی به مساله میپردازند!

به نظر من هیچ یک از این نظرات و موضعگیریها راه حل نیست. خواستها و منافع مردم ایران نه با توافق برآورده میشود و نه با جنگ.

اولین نکته اینست که نفس این مذاکرات مستقل از هر نتیجه ای که داشته باشد به رژیم جنایتکار حاکم در ایران نوعی اعتبار و مشروعیت میدهد. در اوج انقلاب زن زندگی آزادی رئیس و دیگر مقامات حکومتی حتی جرات نداشتند به کشورهای غربی سفر کنند و امروز عراقچی و همراهان دور راه افتاده اند، بر سر میز مذاکرات میشینند و با رسانه ها از شرط و شروطشان برای رسیدن به یک "توافق پایدار" صحبت میکنند. حکومتی که از فردای خودش مطمئن نیست خواهان صلح و توافق "پایدار" است!

نکته دوم اینست که هر نوع توافقی حتی اگر برخی از شرایط ترامپ پذیرفته شود، تصویر کاذبی از جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت متعارف بدست خواهد داد و موقعیت حکومت را در نزد دولتها و نهادهای بین المللی تقویت خواهد کرد. با هر توافقی حتی همین حد از اعمال فشار جهانی به جمهوری اسلامی در رابطه با جنایاتش علیه مردم ایران و نقض آشکار ابتدائی ترین حقوق مردم تخفیف پیدا خواهد کرد و به حاشیه رانده خواهد شد. توقف پروژه هسته ای و محدود کردن توان موشکی و فعالیتهای تروریستی منطقه ای امر مثبتی است، اما مساله اساسی تر تروریسم جمهوری اسلامی در خود ایران است. جمهوری اسلامی امیدوار است با رسیدن به نوعی توافق با آمریکا و اروپا فشار بین المللی برخورد را خنثی کند و یا لاقط تخفیف بدهد و دست بازتری در سرکوب اعتراضات مردم داشته باشد. باید این تلاشها را خنثی کرد.

برخی به این امید بسته اند که توافق با آمریکا و رفع تحریمها گشایشی در وضعیت اقتصادی رژیم و شرایط فلاکتبار اقتصادی مردم ایجاد میکند. این یک توهم است. حتی اگر تمام تحریمها لغو شود نه در بحران اقتصادی حاکم و نه بخصوص در گرانی و تورم نجومی و شرایط سخت معیشتی مردم تغییر چندانی داده نمی شود. همانطور که توافق برجام مشکلی را حل نکرد. بن بست و ورشکستگی اقتصادی حکومت امری ساختاری و ناشی از سیستمی است که تحت سلطه کامل سپاه و بسیج و باندهای مافیائی و با رانتخواری و فساد و دزدی و اختلاس نهادینه شده کار میکند. تحریمها موجب این وضعیت نیست و لذا با رفع تحریمها هم این شرایط تغییری نمیکند.



هدف از توافق هسته ای، بهبود وضعیت معیشتی مردم نیست - مهران محبی



در این رابطه ادامه و گسترش اعتراضات نسبت به گرانی و مشکلات معیشتی ثابت کرده اند که سران رژیم نتوانسته و نمی توانند مردم را فریب دهند. در مدت یک هفته از زمان اولین نشست تا دومین نشست هیئت های جمهوری اسلامی و ترامپ بر سر توافقات هسته ای و بعد از ابراز رضایت خامنه ای از عقب نشینی اش، تجمعات اعتراضی هفته ای بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری (معلمان، علوم پزشکی و مخابرات) طبق معمول و با قدرت برگزار شدند و کارگران پالایشگاه دوازدهم پارس جنوبی، کارگران برق منطقه ای فارس و کارگران پروژه ای زیرسازی راه آهن مبارکه دست به اعتصاب زده اند. همچنین بلافاصله روز بعد از "پشتک و وارو" زند های عراقچی پس از پایان دومین نشست در "رم"، کارگران پیمانکاری نفت و گاز گچساران و بازنشستگان فولاد و معدن اصفهان و کرمان و بازنشستگان تأمین اجتماعی خوزستان و شوش دست به تجمع و اعتصاب زده و بازنشستگان شهرهای مختلف فراخوان به تجمع اعتراضی برای روزهای آینده را داده اند.

به این ترتیب بازنشستگان و کارگران که همواره صدای اعتراض اکثریت محروم و عموم مردم معترض جامعه علیه جمهوری اسلامی بوده اند، پاسخ درخور خود را در شرایطی که رژیم در تقلا ی لپوشانی عقب نشینی و تسلیم خود در برابر ترامپ با نمایشات و تبلیغات دروغین بازگشائی مسیر رونق اقتصادی و بهبود شرایط معیشتی است، می دهند و به حکومت اجازه بهره برداری نمی دهند.

در نتیجه همین فشارهای اعتراضات کارگران و بازنشستگان و زیر سایه اعتراضات عمومی، سران رژیم به موازات هیاهوها و ابراز رضایت ها از نتیجه تاکنونی نشست هایشان با نمایندگان ترامپ، صحبت از ناروشنی و حتی ناامیدی از تأثیرات تسلیم هسته ای بر اقتصاد و معیشت مردم میکنند. خود خامنه ای بعد از برگزاری اولین نشست عراقچی با استیو ویتکاف اعلام کرد که حل مشکلات اقتصادی با مذاکرات عمان ارتباطی ندارد و به صراحت انتظارات از رونق اقتصادی و بهبود اوضاع معیشتی چه با توافق و چه بی توافق را بی اساس دانست.

از اینرو تنها راه برای پایان دادن به فقر و گرانی و همه فلاکت های اجتماعی ادامه اعتراضات در سطوح سراسری و عمومی است و برای این کار نیازمند ایجاد شبکه های سازماندهی در همه مراکز و محافل کارگری و اجتماعی هستیم.

روز جهانی کارگر مجال مناسبی برای ایجاد ارتباطات مورد نظر است. با گسترش و مشترک کردن فعالیت های خود برای برگزاری مراسمات روز جهانی کارگر و همچنین در مراسمات این روز قرارهای خود را برای تداوم ارتباطات و ایجاد شبکه ها بگذاریم و به آنها پایبند بمانیم.

در روزهای منتهی به پذیرش جمهوری اسلامی بر سر نشستن بر سر میز توافقی با آمریکا، قیمت دلار بین ۰۰ تا ۰۵ هزار تومان بود و به تبع آن قیمت کالاها و مخصوصا قیمت کالاهای اساسی از قبیل خوراک، پوشاک و دارو از ۵۰ درصد تا دو برابر و حتی بیشتر نسبت به دو، سه ماه قبل تر افزایش یافت.

روز شنبه ۲۳ فروردین که بعد از اعلام تسلیم خامنه ای در برابر ترامپ در نتیجه بالا گرفتن فشارهای همه جانبه، عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با "استیو ویتکاف" سرپرست هیئت مذاکره کننده آمریکائی در مسقط اولین دیدارشان را انجام دادند و بعد از پایان دیدار، عراقچی از نتیجه آن ابراز رضایت کرد، قیمت ارز و طلا کاهشی ۵۴ درصدی کرد و در ادامه آن روز بعد تحت تأثیر تبلیغات مقامات و رسانه های حکومتی همزمان با امنیتی کردن بازار و تزریق ارز، قیمت ارزها و طلا با سرعتی عجیب دچار ریزش شد تا حدی که ارزش دلار به ۸۵ هزار تومان کاهش یافت و طلا و دیگر ارزها نیز به همان نسبت قیمت شان پائین آمد.

این ریزش قیمت ارز و طلا در مدت دو روز بلافاصله بعد از نشست مسقط بهانه ای برای سران حکومت جور کرد که با برجسته کردن آن به عنوان دستاورد اقتصادی اولین نشست بر سر توافق با ترامپ، پوششی عامه پسند بر رسوائی خامنه ای بگذارند. همه بر طبل عوامفریبی کوبیدند و به زعم خودشان سقوط آزاد دلار را نشانه پیروزی و موفقیت حکومت تسلیم شده خود دانستند و سعی کردند از آن برای تسکین دادن به اکثریت مردم به زیر خط فقر رانده شده و عصبی و خشمگین استفاده کنند. می خواستند بگویند حکومت به خاطر کاهش مشکلات معیشتی و گشودن دروازه به سوی رونق اقتصادی پای میز مذاکره رفته و فوراً باعث کاهش درصد زیادی از تورم و گرانی شده است که اگر همچنان ادامه یابد دستاوردهای اقتصادی خیلی بیشتری را نصیب می کند؛ و این در حالی بود که قیمت کالاهای اساسی مورد استفاده اکثریت مردم کارگر و زحمتکش و محروم جامعه نه تنها هیچ کاهشی نیافتند، بلکه همچنان رو به افزایش هستند.

ولی شیادی های سران رژیم اینبار هم مثل همیشه با نفرت مردم توأم با تمسخر حرف های چند روز گذشته خامنه ای که می گفت: "مذاکره شرافتمندانه نیست" و تمسخر "خودنویس دزدی" غریب آبادی مواجه گردید. مردم که تجربه عوامفریب های حکومت در چنین شرایط را دارند، بهتر از هر کارشناس اقتصادی ای می دانستند که کاهش ۲۰ درصدی قیمت دلار در مدت دو روز آن هم بلافاصله بعد از اولین نشست نماینده حکومت با نماینده ترامپ در حالیکه قیمت هیچ یک از کالاهای اساسی کاهش نیافته، باز هم حاصل یک ترفند و یک کلاهبرداری دیگر رژیم است که ناچار به تزریق ارز به بازار و ایجاد فضای امنیتی شده تا غیر واقعی بودن تأثیر مذاکره بر کاهش قیمت ها را بعنوان اتفاقی واقعی به جامعه القاء کند و اندکی از سنگینی فضای روانی ضد حکومتی بکاهند.

اما باز هم سر حکومت و سرانش به سنگ خورد و در برابر جامعه بی آبروتر شد. مردم به درستی به بازی های رسوا و نخ نمای رژیم اعتنائی نمی کنند، بلکه به پول ناچیزی که در جیب دارند و به میزان اجناس ضروری ای برای تأمین نیازهای روزانه زندگی شان که می توانند با آن چندرغاز خریدی کنند، باور دارند و تنها آن را معیار افزایش یا کاهش تورم و گرانی می دانند. از اینرو است که علی رغم کاهش های دستوری و موقتی و بدون پایه اقتصادی قیمت ارز و طلا دست از اعتراض بر نمی دارند و همچنان بر فشار خود بر حکومت می افزایند.





قتلگاه کارگران، با اسم رمز "محیط کار"

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

حوادث و مرگ و میر ناشی از کار، از مسائلی است که در کمین هستی کارگران و مزدبگیران نشسته و محصول محیط های غیر استاندارد و نا امن کار بخاطر حرص و طمع کارفرمایان مفتخور و بویژه دولت- بعنوان بزرگترین کارفرما- در شانه خالی کردن از پرداخت هزینه ایمنی محیط کار و حفاظت از نیروی کار است. محیطهای کار که به کشتارگاه شباهت بیشتری دارد. حادثه در هر شرایط و مناسباتی ممکن است اتفاق افتد؛ اما آنچه که در ایران شاهدش هستیم، از رمز "حادثه"، به معنی اتفاقی اجتناب ناپذیر و غیر قابل پیش بینی گذشته و به درجه قتل و کشتار از نیروی کار بی دفاع رسیده است.

خبرگزاری ایلنا در گزارش 6 فروردین ماه امسال خود گزارش می کند: "بر اساس داده های مرکز آمار، تعداد مرگ و میر ناشی از حوادث کار در ایران در سال های اخیر به طرز نگران کننده ای افزایش یافته است. از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲، این آمار از ۱۶۲۵ نفر به ۲۱۱۵ نفر رسیده که نشان دهنده افزایش ۳۰ درصدی است."

از لابلای آمار نزدیک به واقع، آنچه که نگران کننده است؛ افزایش این فجایع است، که خود گواه مسلمی از سودجویی جنایتکارانه عاملان و صاحبان کار و بی حقوقی محض نیروی کار است.

ایلنا اضافه می کند: "... بنابرین تعداد فوتی های حادثه کار از ۱۶۵۵ نفر در سال ۱۳۹۸ به ۲۱۱۵ نفر در سال ۱۴۰۲ رسیده است، یا به عبارتی در این بازه زمانی ۳۰ درصد افزایش داشته است..." و ادامه می دهد: "... اما در سال ۱۴۰۳، اوضاع نگران کننده تر هم شده است؛ بر اساس آمار سازمان پزشکی قانونی کشور، در شش ماه نخست سال جاری هزار و ۷۷ کارگر بر اثر حوادث کار جان خود را از دست دادند. بر همین اساس، میزان فوتی های ناشی از حوادث کار در شش ماه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۵/۷ درصد افزایش داشته است. سال قبل آمار فوتی های ناشی از حادثه کار در مدت زمان مشابه، ۹۳۱ نفر بوده است."

اما آنچه که در این گزارش ها غایب است، آمار حوادث کار است و این گزارش، تنها به حوادث منجر به مرگ و میر اشاره دارد. حال آنکه بر طبق آمار رسمی؛ آمار حوادث ثبت شده در محیط های کار، سالانه نزدیک به ۰۰ هزار مورد می شود که از جراحات سطحی و زود درمان-سرپایی- تا نقص عضو و از کار افتادگی و فلج و ابتلا به بیماری های لاعلاجی چون سرطان های خطرناکی نظیر سرطان ریه، خون، کبد و نظایر آن که با مرگی غم انگیز و تأسف بار همراه است، را در بر میگیرد.

همانطور که اشاره شد مهم ترین علت حوادث و اتفاقات حین کار، نا ایمن و غیر استاندارد بودن محیط های کار است. این موضوع تنها در صنایع و کارخانجات نیست، بلکه به شکل عمومی در همه عرصه ها رایج است. دلیل آنهم واضح است؛ سرمایه داری حاکم حاضر به هزینه کردن برای بالا بردن ایمنی در محیط های کار نیست و تنها به سود و درآمد بیشتر فکر می کند.

یکی از دلایل عمده که بستر ساز غیر استاندارد و نا ایمن شدن محیط های کار و فعالیت است، فقدان قوانین و مقررات صحیح و علمی ایمن سازی محیط های کار است. بعلاوه اینکه همان قوانین و مقررات ابتدایی دست و پا شکسته نیز فاقد ضمانت های اجرایی- نظیر نظارت و ملزم بودن به اجرای آنهاست. و عدم تمایل به اجرای همان قوانین نیم بند و نادیده گرفتن سیستماتیک آن روال معمول در محیط های کار است. چرا که مبادا کندی ای در روال تولید و سودجویی هایشان ایجاد شود. بطور مثال با اینکه در ماده ۲۲ از فصل چهارم قانون کار صریحا اظهار شده؛ صیانت از حقوق مختلف نیروی کار، تشکیل شورای عالی حفاظت فنی، تدوین

آیین نامه ها و دستورالعمل ها و تشکیل کمیته های حفاظت فنی از وظایف روشن و صریح کارفرمایان، وزارت کار و دولت است. اما دولت که خود در سیستم استثمار بردگی حاکم شریک و ذینفع است نه تنها تن به چنین اقداماتی نمی دهد، بلکه با لطایف الحیل از زیر بار مسئولیت و وظایف خود طفره رفته و در هنگام وقوع حوادث و مرگ و میر نیروی کار، عمدتا طرف کارفرما را گرفته و از پرداخت حقوق و خسارات ناشی از حوادث و فجایع سر باز می زند.

فقدان بیمه های مکفی و قوانین حمایتی برای حادثه دیدگان یکی دیگر از مواردی است که می توان به مشکلات محیط های کار اضافه کرد. منظور عدم تأمین مناسب و حمایت همه جانبه از کارگران و مزدبگیران حادثه دیده است. در این مورد نیز، کارفرما و دولت همه ابزارهای خویش را برای دوری جستن و اصطلاحا "پنجاندن" قضیه به نفع خویش اند. حال آنکه بیمه و تأمین اجتماعی مکفی، می بایست از حقوق پایه ای هر کارگر و مزدبگیر و جزء بدیهیات و ضروریات قوانین کار و اشتغال هر جامعه ای باشد. از جمله باید کسی که بخاطر ناامنی محیط کار دچار از کار افتادگی میشود، توسط دولت تأمین شود.

بگذریم که اخبار و آمار مربوط به حوادث کار تنها بخش کوچکی از اتفاقاتی است که در محیط های نا امن و غیر استاندارد کار اتفاق می افتد. دلیل این موضوع هم چند گانه است. اولاً بخش زیادی از نیروی کار در شرایط غیر قانونی و خارج از کنترل و نظارت جامعه و وزارت کار و سازمان های تابعه اشتغال دارند. در نتیجه عمده حوادث این محیط ها انعکاس نمی یابد و یا درصد بسیار کوچکی از آن و بشکل مبهم منتشر می شود. بویژه برای کارگران فصلی (در صنایع، کشاورزی و باغداری) و کارگران مهاجری که در صنعت راه و ساختمان و زیر ساخت ها اشتغال دارند. درثانی، بی حقوقی ای که به کارگران در مناسبات و قراردادهای فوق ارتجاعی تحمیل می شود -حتی آنهایی که مشمول بیمه و قوانین کار هستند- فرصت انعکاس وضعیت و آسیب های ناشی از محیط و حوادث کار را از آنان سلب می کند. چراکه مادام در معرض تهدید و اخراج قرار دارند. نکته دیگر اینکه نهادها و سازمان های خبری و اطلاع رسانی، در خدمت سیاست ها و منافع سیستم هستند و تمایلی به انتشار اخبار صحیح ندارند و مجاری آزاد و مستقل هم دسترسی کافی به منابع خبری ندارند. ضمن اینکه اجازه انتشار اخبار و اطلاعات واقعی را ندارند.

اما مهمترین دلیل برای تحمیل بی حقوقی و گسیل کارگران و زحمتکشان به قربانگاه های سرمایه، فقدان مراجع و نهادهای نظارتی از سوی خود کارگران و جامعه مزدبگیران بر محیط و روند و همچنین شرایط و قوانین کار در ایران است. باز ماندن دست کارفرمایان و دولت -که بزرگترین کارفرما است- و تحمیل شرایط برده وار و غیر انسانی به مزدبگیران، در سایه سرکوب فعالان و تشکلهای و ممانعت از سازمانیابی کارگر و ایجاد تشکلهای مستقل خود امکان چنین دخالت و نظارتی را از کارگران سلب میکند.

شرایط طاقت فرسا و غیر انسانی و بدترین اشکال کار، به واسطه قراردادهای موقت و سفید امضا، نپرداختن و معوق کردن دستمزدها، اخراج و بیکارسازی، و بگری

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و اعتصاب کارگران ایران خودرو تبریز و فولاد البرز در ابهر



این روز همچنین مالباختگان شرکت خودروسازی جم نیز در مقابل دادگستری استان بوشهر تجمع کردند. بنا بر خبر ها بیش از چهار سال از تشکیل پرونده شرکت خودروسازی "جم" و بلا تکلیفی پانصد خانواده مالباخته میگذرد. و هنوز پاسخی نگرفته اند. اغلب این خانواده ها در شرایط اقتصادی دشوار و با سختی فراوان اقدام به خرید حواله کرده بودند، اکنون نه تنها خودرویی تحویل نگرفته اند، بلکه پولشان بالا کشیده شده و نصیب آنها چیزی جز وعده های بی پایان نشده است.

کارگران ایران خودرو تبریز نیز از صبح روز گذشته ۳۱ فروردین در اعتراض به عدم تحقق وعده های مدیران و مسئولان استانی برای افزایش دستمزدها و اجرای همسان سازی حقوق و دریافتی آنان با دیگر کارگران، دست به اعتصاب زدند. این کارگران سال گذشته نیز در اعتراض به تبعیض در حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند و آخرین بار در دی ماه سال گذشته و بدنبال اعتصابی که داشتند، مدیران شرکت و مسئولان استانی وعده همسازی حقوقها را به آنها دادند اما چهار سال میگذرد و اقدامی صورت نگرفته است. اعتراض این کارگران به سطح نازل حقوقها و بدتر شدن هر روزه وضع معیشتی شان است. این کارگران اعلام کرده اند که در صورت ادامه وضعیت موجود و عدم همسان سازی کل دریافتی هایشان با همکارانشان در تهران، اعتراضات خود را تشدید خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۱ آپریل ۲۰۲۵

امروز یکم اردیبهشت ماه در یکی دیگر از دوشنبه های اعتراضی بازنشستگان مخابرات در شهرهای کرمانشاه، تهران، رشت، اصفهان، اهواز، زنجان، تبریز، سنندج، ایلام، بیجار و بندرعباس تجمع کردند و پیگیر خواسته هایشان شدند. اعتراض آنها به فقر، گرانی، تبعیض و نابرابری چپاولگریهای سهامداران عمده این شرکت یعنی بنیاد تعاون سپاه و ستاد اجرایی فرمان امام و سرکوبگریهاست.

در کرمانشاه در این روز بازنشستگان با فریاد "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم" پیگیر مطالباتشان شدند. در تهران بازنشستگان در مقابل سازمان مخابرات در سردار جنگل تجمع کردند و شعار میدادند: "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن". و در رشت بازنشستگان با شعارهای "دیگه نگید نداریم، خسته از این شعاریم"، "ستاد فرمان امام مخابرات را برده، حق ماها را خورده" صدای اعتراضشان را علیه وعده وعید های توخالی و چپاولگریهای حاکم بلند کردند. و در تبریز بازنشستگان معترض شعار میدادند: "حقمان را ندید، دوشنبه ها اینجاییم".

اعتراض بر سر معیشت و علیه فقر و گرانی گسترده است. صبح امروز یکم اردیبهشت ماه کارگران کارخانه فولاد البرز غرب ابهر در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزدهای خود اعتصاب و تجمع کردند. ۵۰۰ کارگر این کارخانه از اسفند ماه دستمزد خود را طلب دارند. کیفیت بد غذای کارخانه موضوع دیگر اعتراض این کارگران است. کارگران فولاد البرز ابهر طی ماههای گذشته به اشکال مختلف پیگیر مطالباتشان شده اند اما پاسخی به خواسته هایشان داده نشده است. در

قتلگاه کارگران، ...

از صفحه ۷

گام برای رهایی از شرایط اسارت بار و مرگ آفرین کار در ایران است. برای ما که بدون کار و با وجود کار کردن در حال دست و پنجه نرم کردن با مرگ-چه تدریجی و چه یکباره- هستیم؛ شرط رهایی و گذر از این منجلابی که سرمایه داری برای ما رقم زده است، اتحاد هرچه بیشتر و گسترده کردن تشکل ها در سطح سراسری و عمومی کردن اعتصابات و اعتراضات است.

در آستانه روز جهانی کارگر؛ زمان مناسبی برای صدور کیفرخواست مان علیه نکت سرمایه حاکم؛ به جرم قتل و دزدی و جنایت علیه کارگران و مزدبگیران و همه جامعه است. اکنون زمان دعوت از جمع ها و گروه ها و تشکل های کارگران، معلمان، زنان، بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران و دیگر نهادها که بخصوص از دل انقلاب زن زندگی آزادی به میدان آمده اند، برای کار مشترک و جمعی است. با برپایی مراسم اول ماه مه، صدور بیانیه و فراخوان مشترک به جامعه عزم جزم خود را برای پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی به نمایش بگذاریم. و با صفی متحد بسوی تجمعات و اعتصابات سراسری گام برداریم. جمهوری اسلامی نابود باید گردد.

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و مزدبگیران

زنده باد انقلاب انسانی زن زندگی آزادی

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

ببند و تهدیدهای امنیتی موجب تضعیف موقعیت نیروی کار شده و دست دزدان سرمایه اسلامی و کارفرمایان را برای غارت و کشتار بیشتر باز گذاشته است. پاسخ این همه فجایع و شرایط غیر انسانی، بر هم زدن کل بساط این غارتگران است. کسانی که کمترین ارزشی برای ما؛ آفرینندگان ثروت و رفاه در جامعه قاتل نیستند. رفقای کارگر، هم سرنوشتان؛

اگر باور داریم که حوادث و مرگ و میر هنگام کار، محصول غفلت، بی توجهی و خشونت مناسبات و ساختار سرمایه حاکم است؛ در نتیجه جانباختن کارگران و مزدبگیران را می بایست قتل عمد سیستم و دولت قلمداد کرد. مسئول و باعث این امر، مانند دیگر مشکلات جامعه، نظیر گرانی و تورم، فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و سایر مسائل اقتصادی و اجتماعی؛ مالکان و کارفرمایان و دولت هستند که در سایه دزد سالاری حاکم، در امنیت مطلق به بهره کشی و کشتار کارگران و مزدبگیران مشغول اند. ما چاره ای جز سرنگون کردن کلیت نظامی که همه چیز آن بر علیه ما کارگران و مزدبگیران و علیه همه انسانیت است، نداریم.

ما مدتهاست که فریاد زده ایم "بدون ما کار شما تمام است". صدای ما در کنار هم رساتر و اثر بخش تر است. قطع دستان این قصابان و دزدان و غارتگران، اولین

کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست



دوشنبه ۲۵ فروردین:

- بازنشستگان مخابرات در شهرهای کرمانشاه، تهران، رشت، اصفهان، اهواز، زنجان، تبریز، سنندج، ایلام، بیجار و بندرعباس تجمع کردند و پیگیر خواستهایشان شدند.

- کارگران کارخانه فولاد البرز غرب ابهر در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزدهای خود اعتصاب و تجمع کردند.

- مالباختگان شرکت خودروسازی جم نیز در مقابل دادگستری استان بوشهر تجمع کردند.

- کارگران ایران خودرو تبریز نیز از صبح روز گذشته ۳۱ فروردین در اعتراض به عدم تحقق وعده‌های مدیران و مسئولان استانی برای افزایش دستمزدها و اجرای همسان سازی حقوق و دریافتی آنان با دیگر کارگران، دست به اعتصاب زدند.

یکشنبه ۳۱ فروردین:

- کارگران پیمانکاری نفت و گاز گچساران برای پیگیری مطالبات خود در محوطه اداره مرکزی این شرکت و مهمانسرای بی‌بی حکمیه دست به تجمع زدند.

- بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و معدن در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری خواستهای خود تجمع و اعتراض کردند. بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز، شوش و تهران، و بازنشستگان فولاد و معدن در اصفهان، کرمان و شاهرود تجمع داشتند.

- کشاورزان و مردم در شهر ورزنه اصفهان در واکنش به سرکوبها و بازداشت چند نفر از کشاورزان معترض مقابل فرمانداری تجمع کردند.

شنبه ۳۰ فروردین:

- مغازه‌داران بازار سرپوشیده مریوان در اعتراض به افزایش سنگین اجاره‌بهای مغازه‌ها واحدهای صنفی خود را تعطیل کردند.

- کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه دوازدهم پارس جنوبی در اعتراض به مشکلات معیشتی و نحوه محاسبه و زمان پرداخت طلب مرخصی و اتمام قرارداد شرکت پیمانکاری "پرادکو"، با وجود گذشت یک ماه از سال جدید، برای دومین روز متوالی دست از کار کشیدند.

جمعه ۲۹ فروردین:

- کشاورزان منطقه بند فیض‌آباد در شهرستان زرگان در اعتراضی به بی‌آبی و با خواست حقایق بار دیگر دست به اعتراض زدند.

- جمعی از زندانیان سیاسی سابق اقدام به تجمع مقابل زندان مرکزی ارومیه کرده و خواهان لغو حکم اعدام حمید حسین‌نژاد حیدرآبادی شدند.

پنجشنبه ۲۸ فروردین:

- مردم در کنار سیستان و بلوچستان در اعتراض به قطع پیاپی برق که زندگی آنها را مختل کرده است. در مقابل اداره برق تجمع کردند.

- جمعیت قابل توجهی از مردم در شهر کرد در اعتراض به مافیای آب و بی‌آبی و پروژه‌های انتقال آب و سدسازی‌های بی‌رویه، در میدان قمر شهر تجمع کردند و با فریاد «ما آب می‌خواهیم، نه غارت!» «صدای اعتراضشان را بلند کرد.

چهارشنبه ۲۷ فروردین:

- منصوره عرفانیان، معلم معترض، در تاریخ ۲۷ فروردین در شعبه چهارم دادگاه انقلاب مشهد با اتهاماتی چون "عضویت در دسته یا جمعیت‌هایی که با "هدف برهم زدن امنیت کشور تشکیل شده‌اند" و "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور" مورد محاکمه قرار گرفت.

سه شنبه ۲۶ فروردین:

- کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" شصت و چهارمین هفته خود را پشت سر گذاشت و با پیوستن جمعی از زندانیان زن در زندان زاهدان و همچنین زندان ازبم لاهیجان دامنه آن به ۴۰ زندان کشور گسترش پیدا کرد.

- همزمان با کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام بار دیگر در اعتراض به احکام مرگ و علیه سرکوبها مقابل زندان اوین تجمع کردند.

- معلمان بازنشسته ی مالباخته ی پروژه ی مسکن شرکت کلاهدار تعاونی سحاب فرهنگیان در برابر استانداری کرمان تجمع و اعتراض کردند و خواستار پاسخگویی مسئولان به چپاول اموالشان شدند.

- رانندگان بونکردار سیمان خوزستان در اعتراض به تبعیض در تردد و برخورد تحقیر آمیز پلیس راهور به آنان که منجر به توقیف مدارک برخی رانندگان شده است در سهرای کیمه دست به تجمع زدند.

- فشارهای امنیتی بر روی معلمان همچنان ادامه دارد و هم اکنون ۹ نفر از معلمان معترض در کرمان به دادگاه انقلاب احضار شده اند.

دوشنبه ۲۵ فروردین:

- بازنشستگان مخابرات همانند دوشنبه های گذشته در شهرهای کرمانشاه، سنندج، بیجار، اصفهان، تبریز در اعتراض به فقر و گرانی و چپاولگریهای حاکم و نیز بی پاسخ ماندن مطالبات خود تجمع کردند.

- بیش از بیست نفر از معلمان بازنشسته از گروه «پارک شهر» بار دیگر برای پیگیری خواستهای خود مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.



سه‌شنبه ۲۶ فروردین

- امروز ۲۶ فروردین رانندگان بونکر در سیمان خوزستان در اعتراض به تبعیض در تردد و برخورد تحقیر آمیز پلیس راهور به آنان که منجر به توقیف مدارک برخی رانندگان شده است در سهرای کیمه دست به تجمع زدند. این رانندگان با صدای بلند فریاد می‌زدند: "چرا باید عبور بونکرهای ۲۵ تنی ممنوع باشد، در حالی که روزانه صدها تریلی ۵۰ تنی با چراغ سبز از همان مسیر عبور می‌کنند؟ اعتراض آنان به تصمیمات سلیقه‌ای و تبعیض هاست و این وضعیت آنها را با مشکلات معیشتی بسیاری روبرو کرده است.

- یک سرتیتر خبرها اینست "اهواز هوا ندارد". از شب قبل این روز با نفوذ توده عظیم گردوخاک از عراق و عربستان به خوزستان، هوای تمام شهرهای این استان در وضعیت خطرناک قرار گرفت و طوفان شن و خاک مردم را عاصی کرده است. غلظت گرد و خاک در اهواز ۶۷ برابر حد مجاز شد. فاجعه زیست محیطی در استان خوزستان بیداد میکند. مردم ناگزیر به ماندن در خانه، بستن پنجره‌ها و کشیدن پرده‌ها شده‌اند. گویی خانه‌ها با گل ماله کشی شده است. شرایطی که آسیبهای جدی به مردم و همچنین به احشام آنها را در پی دارد. در این روز تمام ادارات و مدارس و دانشگاه‌های استان خوزستان تعطیل اعلام شد. ناتوانی حکومت در اداره جامعه و بساط چپاولگریهای یک موضوع سراسری اعتراضات مردمی است.

دوشنبه ۲۵ فروردین

- فرشاد اورکی، شهروند اهل ایذه، توسط دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان به پرداخت ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی به جای سه ماه حبس محکوم شد. این حکم به مدت یک سال تعلیق شده است. اتهام او "فعالیت تبلیغی علیه نظام" از طریق ارسال کلیپ در فضای مجازی عنوان شده است. با احکام تعلیقی حکومت میکوشد مردم معترض را مرعوب کند. اما گسترش اعتراض نشانگر بی‌ثمر بودن سرکوبگریهای حکومت است.

- خبرها بازهم از آلودگی هوا در شهرهای اهواز و اندیمشک در این روز گزارش می‌دهد. در گزارشات دریافتی از هشدار دهنده بوده وضعیت هوا و آب و بحران زیست محیطی در خوزستان خبر می‌دهند. در گزارشی نوشته شده: "بحران زیست محیطی زندگی روزمره مردم را به خطر انداخته و گردوخاک و آلاینده‌ها بر سلامت و کیفیت زندگی مردم اثرات ویرانگر داشته‌اند. خود ما مردم باید کاری کنیم."

- طی روزهای ۲۴ و ۲۵ فروردین هفت زن خواننده ساکن بهبهان طی تماس‌های تلفنی، توسط اطلاعات سپاه و بسیج ناحیه بهبهان احضار شده و تحت بازجویی قرار

از خوزستان خبر میرسد؟

۲۲ تا ۲۹ فروردین ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۲۹ فروردین

فرامرز سه‌دهی، شاعر اهل خوزستان و عضو کانون نویسندگان، بر اساس حکمی که به تازگی از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب ماهشهر صادر شده است، مجموعاً به بیش از ۲۲ ماه حبس محکوم شد. در این رأی که در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ صادر شده، فرامرز سه‌دهی به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به هفت ماه و نیم و به اتهام "توهین به رهبری" به ۱۵ ماه حبس تعزیری محکوم شده است. که اشد مجازات یعنی ۱۵ ماه حبس برای او قابل اجرا خواهد بود.

واحد خوزستان کمیته سازمانده بر پایان یافتن امنیتی کردن مبارزات و بسته شدن تمامی پرونده‌های امنیتی فعالین سیاسی آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی تأکید دارد.

پنجشنبه ۲۸ فروردین

وضعیت اسفناک شهرها و فاضلابها نمایندگان حکومتی را هم وادار به عکس العمل کرده است. موسوی زاده نماینده مجلس اسلامی در این روز گفت "وضعیت اسفناک سیستم دفع فاضلاب در شهرهای خوزستان منظری مشمئز کننده و تهدیدی جدی برای بهداشت عمومی ایجاد کرده، بوی تعفن کوچه‌ها و خیابان‌ها گواه این بی‌تدبیری است." او در سخنانش همچنین به سنگینی بختگ بیکاری بر روی جوانان صحبت کرد و در آخر هم به شروع فصل گرما و قطعی‌های برق و قطع آب شرب مردم و تعطیلی پروژه‌ها و سوء مدیریت وزارت نیرو اشاره کرد. این سخنان بازتابی از فضای اعتراضی جامعه و از جمله در استانی مثل خوزستان، این کانون داغ اعتراضی و وحشت حکومت از سر بلند کردن اعتراضات گسترده مردمی در را به نمایش می‌گذارد.

چهارشنبه ۲۷ فروردین

- ۲۵ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی اهواز پس از صرف غذای سلف، دچار مسمومیت شدند و به مراکز درمانی منتقل شدند. این اتفاق تنها یک حادثه نیست، بلکه نشانه‌ای دیگر از غیر استاندارد بودن سطح خدمات نهادهای اجتماعی و ناتوانی سیستم حاکم است که در همه جا باعث آسیب به مردم می‌شود. این موضوع بازتاب اجتماعی گسترده‌ای پیدا کرده و موجب اعتراض دانشجویان شده است. دانشجویان وزارت بهداشت و وزارت علوم و کل حاکمیت چپاولگر را شریک و مسئول این وضعیت می‌دانند.

- آلودگی هوا تأمین معیشت را برای همه مردم سخت‌تر و دشوارتر کرده است. در این روز وضعیت هوا در اهواز و آبادان به مرحله‌ای وحشتناک رسید. بطوریکه شعاع دید در برخی نقاط تنها ده متر بود. قطعی برق نیز باعث شده که پمپ‌های آب از کار بیفتند و آب آشامیدنی مردم با خاک مخلوط شده است!

مردم میگویند نه هوا برای نفس کشیدن هست و نه آب برای زنده ماندن. شرایطی که بر خشم و نفرت مردم شدد داده و زمزمه‌های اعتراض گسترده است و کار به تشکیل "جلسات بحران" توسط حکومتی‌ها کشیده شده است.

اعتراضات به بی‌آبی و قطعی برق، و افزایش فشار بر معلمان



امضا برای آزادی زندانیان عنوان شده است. منصوره عرفانیان در مهرماه ۱۴۰۲ نیز توسط نیروهای امنیتی در منزل خود در مشهد بازداشت و به زندان وکیل‌آباد منتقل شد. در جریان بازداشت، مأموران وسایل شخصی او از جمله لپ‌تاپ و تلفن همراه او را ضبط کردند. او پیش‌تر نیز در اردیبهشت ۱۴۰۱، همزمان با تجمع سراسری معلمان، بازداشت و پس از چند روز با تودیع وثیقه آزاد شده بود. به فشارهای امنیتی بر روی منصوره عرفانیان و دیگر معلمان باید وسیعاً اعتراض کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ فروردین ۱۴۰۴، ۱۷ آپریل ۲۰۲۵

بحران آب و برق و جیره بندی آن، معضلات کاری و معیشتی بسیاری را برای مردم ایجاد کرده و این وضعیت بیش از پیش بر خشم و نفرت مردم دامن زده است. بویژه در استانهای جنوبی از جمله خوزستان و سیستان و بلوچستان وضعیت بسیار غیرقابل تحمل تر است. امروز ۲۸ فروردین مردم در کنارک سیستان و بلوچستان در اعتراض به قطع پیاپی برق که زندگی آنها را مختل کرده است، در مقابل اداره برق تجمع کردند.

در این روز همچنین جمعیت قابل توجهی از مردم در شهر کرد در اعتراض به مافیای آب و بی‌آبی و پروژه‌های انتقال آب و سدسازی‌های بی‌رویه، در میدان قمر شهر تجمع کردند و با فریاد «ما آب می‌خواهیم، نه غارت!» صدای اعتراضشان را بلند کرد.

آخرین خبر مربوط به تداوم فشارهای امنیتی بر روی معلمان است. منصوره عرفانیان، معلم معترض، در تاریخ ۲۷ فروردین در شعبه چهارم دادگاه انقلاب مشهد با اتهاماتی چون «عضویت در دسته یا جمعیت‌هایی که با هدف برهم زدن امنیت کشور تشکیل شده‌اند» و «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور» مورد محاکمه قرار گرفت. یکی از مصادیق این اتهامات، جمع‌آوری

از صفحه ۱۰

از خوزستان خبر میرسد...

خوزستان در سال جاری می‌گوید: «خوزستان امسال یکی از خشک‌ترین سال‌ها در ۶۰ سال گذشته را پشت سر می‌گذارد که مدیریت این شرایط نیازمند همراهی کشاورزان، صنایع و مردم است». حکومتیان از سر بلند کردن دوباره اعتراضات کشاورزان و مردم این استان علیه بی‌آبی وحشت دارند و هشدارهایشان شروع شده است.

- حکومت اسلامی حکومت زندانی و سرکوب و اعدام است. وضعیت جنایتبار زندانها یک موضوع اعتراض زندانیان و خانواده هایشان و فعالین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است. یکی از این زندانها زندان سپیدار اهواز است که در آن بارها زندانیان به نشانه اعتراض دست به اعتصاب زده اند. گزارشات منتشر شده از این زندانها از تراکم زیاد زندانیان و وضع بسیار وخیم بهداشتی زندانها و محرومیت زندانیان از دارو و درمان بعنوان بخشی از شکنجه و آزار سیستماتیک زندانیان سخن می‌گوید. ابعاد گسترده این اعتراض حکومتیان را به عکس العمل واداشته است. از جمله امیر خلفیان دادستان عمومی و انقلاب جنایتکار حکومت در اهواز در بازدید از زندان سپیدار اهواز و تراکم زندانی در آنجا گفت «تسریع در رسیدگی‌های قضایی به‌ویژه پرونده‌های متهمانی که در زندان به‌سر می‌برند، جزو اولویت‌های جدی دستگاه قضا است».

جمعه ۲۲ فروردین

- جمهوری اسلامی وضعیتی ایجاد کرده که در استانهای بسیاری برق و گاز و حتی آب جیره بندی شده است. در خوزستان قطعی برق به معضلی جدی تبدیل شده است. طبق گزارشات در بسیاری از مناطق، برق حداقل یک یا دو بار در روز قطع می‌شود و در شهرهایی مانند خرمشهر و آبادان بیش از این است. از جمله اهالی شلمچه در خرمشهر از قطع برق دو بار در روز خبر می‌دهند. با توجه به افزایش دما و گرمای شدید، این وضعیت نگرانی‌های زیادی را برای مردم به همراه داشته است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۹ فروردین ۱۴۰۳، ۱۸ آپریل ۲۰۲۵

گرفتند. الهه میر احدی، مهسان احترامی، نگین منصوری نژاد، آذر دخت طاهرپور، رامش سید، مژده نصیری و زلفا جماشیانی پس از حضور در محل اعلام شده، توسط مأموران زن مورد تفتیش بدنی قرار گرفتند و سپس هر یک از آنها در سالی که مجهز به یک صندلی محصلی، یک میز و دوربین فیلم‌برداری بود، در حضور دو نفر، به مدت تقریبی دو ساعت بازجویی شدند. این افراد پس از بازجویی همراه با تهدید به اینکه پرونده آنها به دادگاه اهواز ارسال خواهد شد از ادامه فعالیت هنری منع شدند.

در مقابل ممنوعیت آواز خوانی زنان، فعال بودن وسیع زنان خواننده خود کارزاری علیه آپارتاید جنسیتی حکومت است. در همین راستا بیانیه ای با ۱۶۱ امضا از داخل و خارج کشور تحت عنوان «آواز زنان، پژواک آزادی؛ سرکوب صدای زن، سرکوب آزادی است» منتشر شده است. امضا کنندگان این بیانیه با صدای بلند صدای اعتراض خود را بلند کرده و مینویسند: «سرکوب آوازخوانی زنان، جنایتی علیه هنر و آزادی بیان، نقض حقوق انسانی و خشونت آشکار علیه زنان است. ما تلاش حکومت برای حذف صدای زن را به شدت محکوم می‌کنیم و از تمامی زنان خواننده قاطعانه حمایت می‌نماییم». واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری دادگاهی کردن هفت زن خواننده در بهبهان را قاطعانه محکوم میکند.

یکشنبه ۲۴ فروردین

- بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری خواسته‌هایشان در چندین شهر کشور از جمله در شوش و اهواز در خوزستان تجمع کردند. بخشهای مختلف بازنشستگان مدام در اعتراض به فقر، گرانی، و چپاول حقوقها و ذخیره هایشان در صندوق تامین اجتماعی و غیره به خیابان می‌آیند و اعتراض می‌کنند. آنها خواهان افزایش حقوقها بر اساس سبد معیشتی ۶۰ میلیونی، اجرای همسان سازی ها و درمان رایگان هستند که در شعارها و بیانیه هایشان بازتاب دارد.

شنبه ۲۳ فروردین

- مدیرعامل سازمان آب و برق خوزستان از کم‌سابقه بودن خشکسالی استان



ادامه سه شنبه های نه به اعدام و اخبار اعتراضی دیگر

امروز ۲۶ فروردین کارزار "سه شنبه های نه به اعدام" شصت و چهارمین هفته خود را پشت سر گذاشت و با پیوستن جمعی از زندانیان زن در زندان زاهدان و همچنین زندان ازبک دامنه آن به ۴۰ زندان کشور گسترش پیدا کرد. اعضای این کارزار در بیانیه هفتگی خود ضمن تشکر صمیمانه از حمایت ها، از تمام حامیان و مخالفان اعدام خواستار پیوستن وسیع مردمی به کانال تلگرام و کانال اینستاگرامی خود و یاری رساندن هر چه بیشتر به این کارزار شدند و خواستار این شده اند که "با دنبال کردن گزارش های هفتگی در کانال تلگرامی و پیوستن به اینستاگرام کارزار ما را بیش از پیش یاری نمایند".

در این روز همچنین همزمان با کارزار "سه شنبه های نه به اعدام" و اعتصاب غذای جمعی زندانیان در ۴۰ زندان کشور، خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام بار دیگر در اعتراض به احکام مرگ و علیه سرکوبها مقابل زندان اوین تجمع کردند. این تجمع یکی از سلسله اعتراضات علیه موج گسترده صدور احکام اعدام برای فعالان سیاسی و عقیدتی در ایران است و خانواده ها با در دست داشتن تصاویر ۹ زندانی سیاسی محکوم به اعدام - وحید بنی عامریان، پویا قبادی، محمد تقوی سنگدهی، ابوالحسن منتظر، بابک علیپور، اکبر دانشورکار، مهدی حسینی، بهروز احسانی اسلاملو و محمدجواد وفایی ثانی - با شعارهای «نه به اعدام»، «نه به احکام ظالمانه» «خواستار توقف فوری روند صدور و اجرای احکام اعدام شدند».

در این روز معلمان بازنشسته ی مالباخته ی پروژه ی مسکن شرکت کلاهدار تعاونی صاحب فرهنگیان در برابر استانداری کرمان تجمع و اعتراض کردند و خواستار پاسخگویی مسئولان به چپاول اموالشان شدند.

امروز ۲۶ فروردین همچنین رانندگان بونکردار سیمان خوزستان در اعتراض به تبعیض در تردد و برخورد تحقیر آمیز پلیس راهور به آنان که منجر به توقیف مدارک برخی رانندگان شده است در سهرامی کیمه دست به تجمع زدند. این رانندگان با صدای بلند فریاد میزدند: "چرا باید عبور بونکرهای ۲۵ تنی ممنوع باشد، در حالی که روزانه صدها تریلی ۵۰ تنی با چراغ سبز از همان مسیر عبور می کنند؟ اعتراض آنان به تصمیمات سلیقه ای و تبعیض هاست و این وضعیت آنها را با مشکلات معیشتی بسیاری روبرو کرده است.

همچنین در روز گذشته ۲۵ فروردین بیش از بیست نفر از معلمان بازنشسته از گروه «پارک شهر» بار دیگر برای پیگیری خواستهای خود مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی نیروهای انتظامی ابتدا مانع ورود معلمان شدند و پس از کش و قوس فراوان، تنها به ۷ نفر از افراد دارای کارت ملی اجازه ورود داده شد. نمایندگان بازنشستگان درخواست دیدار با رئیس جمهور یا معاون او را مطرح کردند، اما موافقت نشد و در نهایت آنها موفق با دیدار با یکی از مدیران مسئول شدند. در این جلسه معلمان با صراحت خواسته های خود را مطرح کردند و اعتراض خود را به وعده های توخالی ابراز کردند. در نهایت، مقرر شد آنها مطالبات خود را به صورت مکتوب تحویل دفتر ریاست جمهوری بدهند. معلمان بازنشسته نیز بر پیگیری خواستهای خود تاکید کردند. اهم مطالبات این معلمان عبارتند از: پرداخت فوری طلب معوقه شش ماهه دوم سال ۱۳۹۹، پرداخت معوقات هشت ماهه سال ۱۴۰۳ و اجرای کامل قانون همسان سازی، اصلاح فوری بیمه پایه؛ اینکه دارو و درمان برای سالمندان نباید کالای لوکس باشد، اجرای بی کم و کاست ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، اجرای کامل ماده ۸۵ با تاکید بر بیمه تکمیلی کارآمد و عادلانه. همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای سبد معیشتی ۶۰ میلیونی و درمان رایگان دو خواست مهم همه بازنشستگان است.

و بالاخره اینکه فشارهای امنیتی بر روی معلمان همچنان ادامه دارد و هم اکنون ۹ نفر از معلمان معترض در کرمان به دادگاه انقلاب احضار شده اند. یک کارزار مهم معلمان اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست پایان دادن به این سرکوبگریها، بسته شدن پرونده های امنیتی و آزادی بدون قید و شرط همکاران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی است. از این کارزار وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فروردین ۱۴۰۴، ۱۵ آپریل ۲۰۲۵



تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر

امروز ۲۵ فروردین بازنشستگان مخابرات همانند دوشنبه های گذشته در شهرهای کرمانشاه، سنندج، بیجار، اصفهان، و تبریز در اعتراض به فقر و گرانی و چپاولگریهای حاکم و نیز بی پاسخ ماندن مطالبات خود تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان با اشاره به نقش مستقیم ستاد اجرایی فرمان امام و تعاونی های وابسته به سپاه در مدیریت مخابرات و چپاولگریهای حاکم، در شعارهای اعتراضی خود با فریاد "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم" بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند. همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای نرخ سبد معیشتی، و درمان رایگان دو خوات سراسری بازنشستگان است بازنشستگان مخابرات همچنین خواستار اجرایی شدن آیین نامه ی استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ فروردین ۱۴۰۴، ۱۴ آپریل ۲۰۲۵

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

تلگرام: @wpi_tamas

۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و معدن و کارگران مترو در تهران و کشاورزان و مردم ورزنه اصفهان

کنیم.

امروز همچنین جمعیت بزرگی از کارکنان شرکت بهره‌برداری مترو در تهران در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود و تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا و مشکلات معیشتی و کاری خود مقابل شهرداری تهران تجمع

کردند. این کارگران در اعتراض به مسئولین دزد و دروغگو و علیه خلف وعده‌ها شعار می‌دادند "بی‌کفایت، بی‌کفایت، مدیر نالایق باید بره"، "وعده نمی‌خوایم، حقمنو می‌خوایم"، "مدیر بی‌کفایت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم"، و "زاکانی! حیا کن! مترویی رو رها کن!".

به گفته کارگران علیرغم شرایط سخت کاری و سونامی گرانی مزد آنها نه تنها افزایش نداشته، بلکه ماه هاست که پرداخت مطالباتشان به تعویق افتاده و فقط وعده و وعید تحویلشان داده میشود. این کارگران هشدار دادند که در صورت بی پاسخ ماندن خواسته‌هایشان، دامنه‌ی اعتراض خود را گسترده‌تر خواهد کرد.

آخرین خبر اینکه روز گذشته سی ام فروردین ماه کشاورزان و مردم در شهر ورزنه اصفهان در واکنش به سرکوبها و بازداشت چند نفر از کشاورزان معترض مقابل فرمانداری تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی تجمع‌کنندگان با فریاد شعارهایشان خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط کشاورزان بازداشتی و پاسخگویی مسئولین به بحران بی‌آبی و دیگر مطالباتشان شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ اسفند ۱۴۰۳، ۲۰

تجمعات بازنشستگان، کارگران مترو تهران و کشاورزان و مردم ورزنه اصفهان امروز سی و یکم فروردین ماه بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و معدن در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری خواسته‌های خود تجمع و اعتراض کردند. بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز، شوش و تهران، و بازنشستگان فولاد و معدن در اصفهان، کرمان و شاهرود تجمع داشتند.

در اهواز بازنشستگان مقابل استانداری و در شوش و تهران مقابل تامین اجتماعی تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند "اتحاد اتحاد، علیه ظلم و فساد"، "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد"، "نوذر ذبیحی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "تامینو غارت کردند ما را بیچاره کردند"، "دروغ میگن آمریکاست دشمن ما همین جاست"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم"، و "فقط کف خیابون بدست میاد حقمنو". در شوش بازنشستگان با سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" بساط چپاول و بردگی حاکم را به چالش کشیدند.

در این روز بازنشستگان فولاد کرمان در مقابل سازمان امور بازنشستگی کرمان و بازنشستگان شرکت ذغال سنگ البرز شرقی شاهرود مقابل صندوق بازنشستگی تجمع داشتند و بازنشستگان فولاد و معدن اصفهان در خیابان نشاط مقابل صندوق بازنشستگی با سر دادن شعارهای اعتراضی خود و فریاد "دروغ میگن آمریکاست دشمن ما همین جاست" دست به تجمع و راهپیمایی زدند و پیگیر مطالبات خود شدند.

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای سبد معیشت هفتاد میلیونی و درمان رایگان دو خواست محوری همه بازنشستگان است. بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی، به تبعیض و نابرابری و به بساط سرکوب و دزدسالار حاکم اعتراض دارند. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند از خواسته‌ها و اعتراضاتشان حمایت

تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری نفت و گاز گچساران و ارکان ثالث پالایشگاه ۱۲ پارس جنوبی



بنا بر اخبار منتشر شده امروز سی و یکم فروردین ماه کارگران پیمانکاری نفت و گاز گچساران برای پیگیری مطالبات خود در محوطه اداره مرکزی این شرکت و مهمانسرای بی‌بی حکمیه دست به تجمع زدند. حذف شرکت‌های پیمانکاری، اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، و بهبود وضع معیشتی و شغلی از جمله خواسته‌های فوری آنهاست.

همچنین روز ۳۰ فروردین کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه دوازدهم پارس جنوبی در اعتراض به مشکلات معیشتی و نحوه محاسبه و زمان پرداخت طلب مرخصی و اتمام قرارداد شرکت پیمانکاری "پرادکو"، با وجود گذشت یک ماه از سال جدید، برای دومین روز متوالی دست از کار کشیدند.

طبق گزارشات اعتراضات این کارگران از سوی ناظر اجرای پیمانکار پالایشگاه با تهدید و بی‌احترامی روبرو شده و این موضوع بر خشم کارگران شدت داده است. کارگران اعلام کرده‌اند که تا تحقق خواسته‌هایشان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. علاوه بر مطالبه حذف پیمانکاران افزایش مزد و رفع تبعیضات و اعمال مفاد رأی

۳۱۸۸ دیوان در پرداختهای مزدی مطالبه فوری این کارگران است. اعتراضات در نفت گسترده است. از خواسته‌ها و اعتراضات این کارگران حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران-۳۱ فروردین ۱۴۰۴، ۲۰ آپریل ۲۰۲۵

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

تلویزیون کانال جدید برقرار میکند:
ویژه برنامه ۱ مه روز جهانی کارگر کمپین برای آزادی کارگران زندانی Free Them Now



پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۴ آوریل ۲۰۲۵
۶:۳۰ عصر ایران، ۵ عصر اروپای مرکزی

یافش زنده در تلویزیون کانال جدید
روی ماهواره های پوتل ست و ترکمن عالم
و وبسایت تلویزیون کانال جدید

0046722807052
www.kanaljadid.com

ویژه برنامه بمناسبت ۱ مه روز جهانی کارگر، کمپین برای آزادی کارگران زندانی در تلویزیون کانال جدید

Free Them Now

پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۴ آوریل ۲۰۲۵

۶:۳۰ عصر ایران، ۵ عصر اروپای مرکزی

شرکت کنندگان و پیام دهندگان:

شهلا دانشفر، سخنگوی فری دم ناو، کمپین برای آزادی کارگران زندانی

اسماعیل عبدی، فعال صنفی معلم و زندانی سیاسی سابق

اریک لی بنیانگذار سایت بین المللی کارگری لیبر استارت

کاظم نیکخواه، مسئول روابط بین المللی فری دم ناو

مسعود ارژنگ، معاون دبیرکل اتحادیه کارکنان عمومی بریتیش کلمبیا در کانادا

کوروش دانش مسئول کارگران مهاجر کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا CGIL

سمیر نوری سخنگوی فدراسیون اتحادیه های کارگری عراق در خارج کشور

تهمینه صادقی، مسئول تماس فری دم ناو در ساحل غربی کانادا. عضو کمیته

همبستگی بین المللی اتحادیه CUPE

عباس ماندگار، از فعالین فری دم ناو در کانادا

بهرام سروش، هماهنگ کننده کمپین بایکوت جهانی جمهوری اسلامی

آندریا دانکن، یکی از اعضای هیئت اجرایی استانی بی سی جی ای یو و

نایب رئیس بخش ۳ این اتحادیه و نماینده کارکنان خدمات اجتماعی در بریتیش

کلمبیا کانادا

سالواتوره مارا مسئول سیاست بین المللی کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا CGIL

سعید نعمتا، دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگری عراق

مسئول روابط خارجی اتحادیه عمومی کارگران اسپانیا

استفان وون سیچووسکی، پرزیدنت شورای اتحادیه های کارگری در ونکوور و

حومه (VDLC)، کانادا

بهنام ابراهیم زاده، زندانی سیاسی سابق، فعال کارگری و مدافع حقوق کودک

پریسا پوینده، دبیر کمیته آزادی زندانیان سیاسی

حسن صالحی، سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

پیام کارزار جهانی نه به اعدام

پیام حمید حسینی سخنگوی انجمن ایرانی دفاع از حقوق بشر در اسپانیا

طه آزادی فعال کارگری و همکار فری دم ناو

گرداننده: میثم عتیق

مدیریت برنامه: کیان آذر

برنامه از طریق آدرس های زیر به صورت زنده قابل دریافت و مشاهده است:

سایت کانال جدید: <https://kanaljadid.com/live>

تلگرام: <https://t.me/kanaljadid1?voicechat>

و همزمان در تلویزیون کانال جدید از طریق ماهواره های: یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷ افقی ۲۷۵۰۰ اف ای سی: ۵/۶

ویا ست

فرکانس: ۱۲۱۴۹ عمودی ۲۷۵۰۰

و جهت یاهست (ماهواره ترکمن عالم) فرکانس ۱۰۸۴۵ عمودی ۲۷۵۰۰

کانال تلگرام:

<https://t.me/kanaljadid1>

اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/kanaljadidtv>

توییتر:

https://twitter.com/kanal_jadid

یوتیوب:

<https://www.youtube.com/KanalJadidTV>

جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار باید اخراج شود

اجلاس سالانه امسال سازمان جهانی کار در روزهای ۱۲ تا ۲۳ خرداد (دوم تا سیزدهم ماه ژوئن) برگزار خواهد شد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همچون سالهای گذشته در اعتراض به حضور هیأت جمهوری اسلامی در این اجلاس و با تاکید بر اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان به ژنو خواهد رفت و تلاش میکند صدای اعتراض کارگران و مردم ایران در آنجا باشد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

Islamic Regime of Iran out of ILO
Free Them now